سیاست‌های اقتصادی، عدالت اجتماعی و بخش کشاورزی

فرشاد مومنی*

طرح مسئله: *به لحاظ نظری، طی چند دههٔ اخیر، قدرت و قابلیت سیستم‌های اقتصادی ـ اجتماعی در مواجهه با تغییرات به مثابه عنصری سرنوشت‌ساز در چگونگی پیشبرد امر توسعه مورد توجه قرار گرفته و سطح توسعه‌یافتگی هر جامعه با سطح قابلیت آن‌ها در نشان دادن واکنش‌های مناسب و به موقع در برابر تغییرات سنجیده می‌شود و متقابلاً نسبت به وارد کردن ضربه‌های جدی به بخش‌ها و اقتصادی کم‌تر توسعه‌یافته هشدارهای جدی داده می‌شود.*

روش: *در این مقاله، با روش توصیفی ـ تحلیلی، وارد کردن شوک‌های بزرگ به قیمت حامل‌های انرژی به بخش کشاورزی در یک اقتصاد در حال توسعه نفتی از منظر عدالت اجتماعی و عمل‌کرد اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.*

یافته‌ها: *یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که شوک درمانی در بخش کشاورزی ایران نه مبنای منطقی قابل قبول دارد و نه می‌تواند آثار مثبت انتظاری را به همراه داشته باشد ضمن آن‌که به واسطهٔ دلایل مشخص پنجگانه‌ای که مطرح شده و نشان می‌دهد قدرت انعطاف نسبی بخش کشاورزی از سایر بخش‌های اقتصادی کم‌تر است، می‌بایست منتظر عواقب و پیامدهای خسارت‌بارتری از این ناحیه بر توسعه بخش کشاورزی و از طریق نابرابری‌های فزایندهٔ ناشی از آن بر عمل‌کرد اقتصادی نظام ملی باشیم.*

نتایج: *مهم‌ترین پیشنهادات عبارتند از: اولویت دادن به بسترسازی و فراهم آوردن زیرساخت‌ها قبل از دست‌کاری قیمت‌ها و توجه پیشگیرانه به آثار و پیامدهای شوک درمانی بر بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی.*

کلیدواژه‌ها: بخش کشاورزی، تعدیل ساختاری، عدالت اجتماعی، یارانه.

تاریخ دریافت: **۸۸/۱۱/۱۵** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۹/۹/۱۱**

*دکتر اقتصاد، دانشگا علامه طباطبایی <farshad.momeani@gmail.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مقدمه

الگوی تعامل بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی با توسعهٔ ملی کانون یکی از پرمناقشه‌ترین عرصه‌های مجادله‌های نظری و نیز مرکز فراز و نشیب‌ها و تجدیدنظرهای اجرایی و سیاست‌گذاری فراوانی بوده است. صرف‌نظر از آن‌چه که در تجربهٔ کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی اتفاق افتاده و به نحو نسبتاً قابل قبولی ثبت و ضبط شده است و دربارهٔ آن اختلاف‌نظر چندانی مشاهده نمی‌شود، شاید بتوان ادعا نمود که به قاعدهٔ هر یک تجربهٔ موفق یا ناموفق توسعه طی دورهٔ سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا امروز ارزیابی‌ها و تحلیل‌ها و حتی بنیان‌های نظری متفاوتی در این زمینه وجود دارد که به شیوه‌های گوناگونی نحوه برخورد مدیریت توسعهٔ ملی با بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی را در زمرهٔ مهم‌ترین مراکز ثقل داوری دربارهٔ وضعیت توسعه یا توسعه‌نیافتگی قرار داده‌اند. اما آنچه که در این میان با نوعی وفاق جمعی همراه است آن است که گرچه در ظاهر جامعه روستایی و بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از نوعی قدرت پایین چانه‌زنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع برخوردارند اما ابعاد اهمیت و حساسیت‌های خارق‌العادهٔ نحوهٔ مواجهه با این بخش به اندازه‌ای است که هر نوع غفلت یا سبک‌شماری مسائل مربوط به آن آثار و پیامدهای بسیار گسترده‌ای را در مقیاس ملی به همراه می‌آورد که در بعضی از موارد مسائل ایجاد شده و پیامدهای خواسته یا ناخواسته آن تا چند دهه گریبان مدیریت توسعه را رها نمی‌سازد.

نکتهٔ مهم در این زمینه آن است که به ویژه سیاست‌گذاری اقتصادی حتی در عرصه‌هایی که در ظاهر مستقیماً بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی را نیز تحت تأثیر قرار نمی‌دهد به آن اندازه از حساسیت و اهمیت برخوردار است که در یکی از مهمترین ارزیابی‌ها از تجربهٔ توسعه و توسعه‌نیافتگی در قرن بیستم میلادی به مثابهٔ یکی از دو متغیر ابر تعیین‌کننده در سرنوشت کشورهای جهان قلمداد شده است (Cornia, 1999) و بدون تردید یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها در هر کشور، دستکاری قیمت‌های کلیدی، از جمله نرخ ارز و قیمت حامل‌های انرژی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

به این ترتیب، می‌توان دریافت که چرا انتخاب ابزارهای سیاستی در حوزهٔ اقتصاد و نحوه کار بست این ابزارها در شرایط زمانی و مکانی معین در هر گوشه‌ای از جهان با جوامع گوناگون با هر سطحی از پیشرفت به میزان فوق‌العاده‌ای واکنش‌برانگیزی می‌کند و به ویژه اگر استفاده از یک ابزار سیاستی در دستور کار یک کشور در حال توسعه قرار داشته باشد مشخص کردن نسبت آن ابزار و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن بر بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی یکی از مؤلفه‌های جدی و مهم همهٔ دولت‌های توسعه خواه و نهادهای تخصصی مدنی فعال در کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

واقعیت این است که در کشور ما به ویژه در عرصهٔ سیاست‌گذاری اقتصادی مسئله تا حدود زیادی متفاوت است و مهم‌ترین عنصری که این پدیدهٔ متفاوت را توضیح می‌دهد برخورداری انحصاری دولت از درآمدهای حاصل از صدور نفت خام می‌باشد. در سایهٔ وجود چنین موهبتی حساسیت‌ها نسبت به آثار و پیامدهای سیاست‌های اقتصادی به هیچ‌وجه در حد نصاب نیست و به ویژه هنگامی که نوبت به مشخص شدن نسبت آن سیاست‌ها با بخش کشاورزی و توسعهٔ روستایی می‌رسد، گستره و عمق سهل‌انگاری‌ها و بی‌توجهی‌ها افزایش چشم‌گیری پیدا می‌کند. این مسئله به ویژه هنگامی که قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش قابل توجه پیدا می‌کند به صورت جدی‌تر و واضح‌تری قابل مشاهده است. از همین رو، به گواه شواهد تاریخی گوناگون در چنین دوران‌هایی میزان مسائل و مشکلات تحمیل شده به بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی افزایش می‌یابد و تنها در سایهٔ اتخاذ تدابیر نهادی مناسب و اعمال هوشمندی‌های لازم می‌توان از چنین آسیب‌هایی بر حذر ماند و یا آن‌ها را به حداقل رساند.

کشور ما از سال ۱۳۸۱ تاکنون همواره شاهد دست‌یابی به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام به میزانی به مراتب فراتر از آن‌چه که در چارچوب قوانین برنامه‌های توسعهٔ سوم و چهارم پیش‌بینی شده بوده است. بنابراین، به طور طبیعی انتظار می‌رود که همهٔ آنچه که در سطور بالا مطرح شد در این دوره رخ داده و از طریق اسناد رسمی منتشره

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

قابل ردگیری باشد. اما در میان همهٔ آن‌ها شاید هیچ نکته‌ای وجود نداشته باشد که از نظر شدت اثرگذاری و مدت زمانی که این آثار خود را به رخ سرنوشت توسعهٔ کشور خواهد کشید قابل مقایسه با سیاست موسوم به هدفمند کردن یارانه‌ها باشد. از آن‌جایی که خوشبختانه هنوز این سیاست‌ها مراحل نهائی فرآیندهای منتهی به اجرا را طی نکرده است و تا همین زمان در میان انبوه کنش‌ها و واکنش‌هایی که به دنبال مطرح شدن اراده و اهتمام دولت بر اجرای طرح خود تاکنون مشاهده کرده‌ایم کم‌ترین میزان بحث و اظهارنظر درباره نسبت آن‌چه که قرار است به اجرا درآید با بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی ما بوده است.

این مقاله تلاش می‌کند تا از این زاویه سیاست مزبور را مورد توجه و ارزیابی قرار دهد. به همین منظور ابتدا مباحث مفهومی مربوط به یارانه‌ها به مثابهٔ یک ابزار سیاستی به بحث گذاشته می‌شود. سپس منطق‌های بنیادی ظهور این ابزار سیاستی در عرصهٔ علم اقتصاد اجمالاً مورد واکاوی قرار می‌گیرد شرایطی که در آن کاربست ابزار یارانه می‌تواند منشأ دستاوردهای چشم‌گیر یا خسارت‌های چشم‌گیر گردد، تشریح شده و نسبت آن شرایط با واقعیت‌های موجود کشورمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامهٔ چالش‌ها و چشم‌اندازهای کاربست این ابزار مورد تحلیل قرار گرفته و بالأخره با تمرکز بر پیامدهای کلی اجرای سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها بر سطح کلان کشور و پیامدهای خاص آن برای بخش کشاورزی و جامعهٔ روستایی توصیه‌ها و پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

اولین سؤالی که به طور طبیعی در زمینهٔ منطق‌های گرایش دولت‌ها به استفاده از ابزاری به نام یارانه مطرح می‌شود، این است که چرا و تحت چه شرایطی دولت‌ها تصمیم می‌گیرند که از این ابزار استفاده کنند. در پاسخ بایست گفت که به اعتبار سطوح مختلف تحلیل اقتصادی منطق‌های متفاوتی برای استفاده از این ابزار موضوعیت پیدا می‌کند. اما در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

همهٔ سطوح خرد و کلان توسعهٔ اقتصادی عنصر گوهری و اصلی اتکای بـه ایـن ابـزار بـه مجموعهٔ کاستی‌ها و نارسائی‌هایی بازمی‌گردد که از آن‌ها با عنوان درمانـدگی یـا شکـست بازار (Market failure) نام برده می‌شود و حکایت از آن دارد که در موارد بی‌شماری اجازهٔ عمل‌کرد آزادانه دادن به نیروهای بازار منشأ سوءتخصیص منابع و بروز انواع عدم تعادل‌ها می‌گردد و ابزار یارانه به مثابهٔ یک نیروی کمکـی در خـدمت نظـام‌هـای تـصمیم‌گیـری و تخصیص منابع در آمده و درماندگی‌های بازار را تحت شرایطی از بین برده یـا بـه حـداقل می‌رساند. برای مثال؛ هنگامی که در برخی از کالاها یا خدمات شکافی میان تـابع تقاضـای اجتماعی و تابع تقاضای بازاری پدید می‌آیـد و در اثـر آن نظـام ملـی بـا چـشم‌انـدازهایی خسارت‌بار و پرهزینه رودررو می‌گردد. به منظور پیش‌گیری از چنین خسارت‌هـایی ابـزار یارانه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

بارزترین نمونه‌هایی که در ادبیات اقتصادی از این زاویه مطرح می‌گردد، شـکاف‌هـایی است که میان دو تابع عرضه یا تقاضای اجتماعی و بازاری کالاها و خدماتی همچون مـواد لبنی، مواد پروتئینی، آموزش و بهداشت پدیدار می‌گردد. به این ترتیب که علی‌رغم اهمیت حیاتی این قبیل کالاها و خدمات، مصرف‌کنندگان به هر دلیل تمایلی برای تخصیص منـابع خود در این زمینه‌ها نشان نمی‌دهند یا تولیدکنندگان حاضر به عرضـهٔ ایـن قبیـل کالاهـا و خدمات نیستند.

در چنین شرایطی گرچه در سطح خرد ایـن افـراد و خانوارهـا و بنگـاه‌هـا بـه واسـطه برخورد سهل‌انگارانه نسبت به اهمیت راهبردی این‌گونه کالاهـا و خـدمات دسـت‌خـوش هزینه‌های بعضاً غیرقابل جبرانی خواهد شد، اما مـسئله ایـن اسـت کـه از منظـر دولـت و مدیریت توسعهٔ ملی هزینه‌های ایجاد شده از این ناحیه برای دولت و کشور مـی‌توانـد بـه مراتب افزون‌تر و خسارت‌بارتر گردد. به همین خاطر دولت برای پیشگیری از پرداخت‌های اجتناب‌ناپذیر و خسارت‌های احیاناً جبران‌ناپذیر ناشی از تبعات این الگوی رفتاری تـرجیح می‌دهد که با پرداخت‌های پیشگیرانه و در نتیجه برانگیزاننده، تولیدکنندگانی را کـه بـه هـر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

دلیل تمایل به تولید این‌گونه کالاها یا خدمات ندارند و مصرف‌کنندگانی را کـه تمایـل یـا توان مصرف آن‌ها را ندارند با انگیزش‌های قیمتی تحت تأثیر قرار داده و ساختار انگیزشـی قسمت‌های عرضه و تقاضای اقتصاد را اصلاح نمایند.

در سطح کلان نیز دولت‌ها برای رسیدن به ثبات اقتصادی و به ویژه در راستای اجتناب از افزایش سطح قیمت‌ها تحت شرایطی از بازار یارانه استفاده می‌کنند و به این ترتیب نظام اقتصادی را در برابر تمامی عوارض کوچک و بزرگ و کوتاه‌مدت و بلندمدت تـورم بیمـه می‌کنند.

همچنین است؛ زمانی که گستره و عمق فقر و نابرابری درآمدها ثبات اقتـصاد کـلان و نیز ثبات سیاسی کشور را در معرض تهدید قرار می‌دهد از آنجایی که هزینه‌هـای ناشـی از چنین شرایطی می‌تواند بسیار سنگین و احیانـاً غیرقابـل جبـران گـردد، دولـت‌هـا تـرجیح می‌دهند که از طریق تخصیص اندیشیده یارانه‌ها به نیازمندان وضـعیت فقـر و نـابرابری را بهبود بخشیده و جامعه را از عوامل ثبات‌زدای آن مصونیت بخـشند در سـطح توسـعه نیـز پایدارسازی بالندگی تولید از طریق تشویق نوآوری‌های علمی فنی و اسـتمرار آن در زمـره مهمترین دغدغه‌های دولت‌های توسعه‌گرا قرار دارد و در این راسـتا نیـز اسـتفاده از ابـزار سیاستی یارانه موضوعیت پیدا می‌کند.

در اینجا بحث بر سر آن است که هنگامی که به دنبـال سـرمایه‌گـذاری‌هـای عظـیم در تحقیق و توسعه اولین مجموعه محصولات بازاری حاصل می‌گـردد بـه طـور طبیعـی کـل هزینه‌های پیشین بر روی قیمت تمام شده محصول جدید و مبتنی بر نوآوری انعکاس‌یافته و سرشکن می‌گردد. بنابراین، قیمت تمام شده محـصولات در مراحـل اولیـه تولیـد نـسبتاً بالاست و این خطر وجود دارد که با عدم استقبال در بازار روبـرو گـردد. در اینجـا گرچـه بخشی از مسئله در سطح خرد قابل طرح است و حکایت از آن دارد کـه سرنوشـت بنگـاه معینی که سال‌ها تحقیق و توسعه انجام داده و انواع سرمایه‌گذاری‌ها را صورت داده اسـت به چه صورتی درخواهد آمد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

اما مسئلهٔ بنیادی‌تر آن است که اگر همهٔ بنگاه‌ها مشاهده کنند که در صورت اصرار بر نوآوری و تحقیق وتوسعه درواقع احتمال ورشکستگی خود را افزایش داده‌اند علائمی که از این ناحیه در مقیاس ملی دریافت می‌شود، می‌تواند کلیت نظام ملی را از نظر سطح بالندگی تولید و بهره‌وری و توان رقابت با دیگران دست‌خوش چالش سازد. از این رو، مدیریت توسعهٔ ملی در چنین شرایطی در بازار مداخله نموده و با طراحی یک نظام اندیشیدهٔ حمایت از بنگاه‌های نوآور مسئله را در قالب یک بازی برد ـ برد در همهٔ عرصه‌ها درمی‌آورد به این معنا که با پرداخت یارانه در مراحل آغازین عرضهٔ کالاها و خدمات مبتنی بر نوآوری قیمت عرضه شده به بازار را در سطحی پایین می‌آورد که انصراف مشتریان را به همراه نداشته باشد. اما این حمایت به صورت نظام‌وار به گونه‌ای طراحی می‌شود که فقط دست‌آوردهای مثبت به همراه داشته باشد و عوارض آن به حداقل برسد. به طور مشخص این الگوی حمایت از سه ویژگی برخوردار است. اول جنبهٔ مشروط دارد و از بنگاه تضمین‌هایی گرفته می‌شود که کوچک‌ترین تزلزلی در جریان نوآوری‌های بعدی و تخصیص بخشی از منابع بنگاه به هزینه‌های تحقیق و توسعه پدید نیاید. دوم، حمایت‌های مورد عمل، «زمان‌دار» است به این معنا که با بررسی‌های دقیق دربارهٔ بازار آن محصول مشخص می‌سازند که دورهٔ نیاز به حمایت حداکثر از پنج تا هفت سال فراتر نرود و در این دوره زمانی هنگامی که مقیاس تولید افزایش چشم‌گیر پیدا می‌کند به طور طبیعی وزن هزینه‌های ثابت در قیمت تمام شدهٔ محصول کاهش چشم‌گیر پیدا می‌کند به طور طبیعی وزن هزینه‌های ثابت در قیمت تمام شده محصول کاهش چشم‌گیر پیدا می‌کند. سوم، میزان کاهش در حمایت‌های اعمال شده برای هر سال اندازه‌گیری شده و براساس آن حمایت‌ها به صورت کاهنده عمل می‌کند تا زمانی که در پایان سال مورد نظر به صفر می‌رسد به این ترتیب استفاده از این ابزار هم بهره‌وری ملی را ارتقاء می‌دهد. هم بر توان رقابت نظام ملی می‌افزاید و هم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به صورت معقولی در فرآیند پیشبرد توسعهٔ ملی مشارکت می‌کنند. متأسفانه این دقت‌ها در کشورهای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

در حال توسعه کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد و به طور طبیعی به واسطهٔ آن‌که دست‌آوردهای انتظاری را به همراه ندارد. اصل ضرورت «حمایت» و پرداخت یارانه به مثابهٔ یک ابزار سیاستی، به چالش کشیده می‌شود. این مسئله در کنار خود منجر به تولد یک موضوع حیاتی دیگر شده که در عرصهٔ سیاست‌گذاری اقتصادی با مفهوم رابطهٔ مبادله (Terms of Trade) صورت‌بندی شده است و حکایت از آن دارد که تفاوت سطح تکنولوژی مورد استفاده بین کشورها و بین بخش‌ها در یک کشور نیز به نوبه خود می‌تواند تبدیل به یک مسئلهٔ حاد و خسارت‌بار گردد که تنها با هوشمندی نظام مدیریت توسعهٔ ملی و استفادهٔ خردورزانه از ابزار سیاستی یارانه قابل حل و فصل است.

واقعیت این است که کشورهای در حال توسعه هم در تنظیم روابط خود با دنیای خارج و هم در تنظیم روابط بین بخش‌ها و به ویژه تنظیم رابطهٔ بخش کشاورزی با بخش‌های صنعت و خدمات از این ناحیه با کاستی‌ها و چالش‌های جدی روبرو هستند. (جیروند، ۱۳٦۵)

هنگامی که یک پژوهش‌گر جدی و علاقه‌مند به تفاوت چشم‌گیر گسترده و عمق حمایت‌هایی که از بخش کشاورزی در کشورهای صنعتی صورت می‌پذیرد بر می‌خورد در صورت فقدان بصیرت‌های کافی نظری در زمینهٔ حمایت از بخش کشاورزی قادر به درک چرایی این تفاوت‌های چشم‌گیر نخواهد بود. برای مثال؛ استیگلیتز توضیح می‌دهد که در حالی که کشورهای صنعتی طاقت‌فرساترین فشارها را از طریق سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی بر کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کنند تا دروازه‌های خود را به روی محصولات خارجی باز کرده و حمایت‌ها را به حداقل برسانند چرا خود حمایت‌های غیرمتعارفی را از بخش کشاورزی و هم زیربخش‌های آن به عمل می‌آورند مثال نمایش و مشخصی که وی در این زمینه مطرح می‌سازد آن است که در حالی که جمعیتی بالغ بر ۱/۵ میلیارد نفر در جهان درآمد روزانه‌ای کم‌تر از دو دلار دارند، سرانهٔ یارانهٔ پرداختی به هر گاو در کشورهای صنعتی دو دلار است (استیگلیتز، ۱۳۸٦) و در سطح کلی آخرین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

برآوردهای در دسترس که در مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی تهیه شده حکایت از آن دارد که حمایت کشورهایی مانند سوئیس، نروژ، کره جنوبی و ژاپن و اتحادیه اروپا از بخش کشاورزی برحسب شاخص نسبت حمایت‌های اعمال شده به ارزش تولیدات محصولات کشاورزی به ترتیب ٦٨ درصد، ٦٧ درصد، ٦٢ درصد، ٥٨ درصد و ٣٤ درصد است. این در حالی است که نسبت مشابه برای ایران حتی به ٢٧ درصد نیز نمی‌رسد. (مهربانیان و مؤذنی، ١٣٨٧: ٣٥)

دلیل مهم دیگری که در سطح توسعهٔ مسئلهٔ حمایت، موضوعیت می‌یابد به مسئلهٔ ضرورت حمایت از صنایع نوپا است که این مسئله هم شامل صنایع نوپای بخش صنعت می‌گردد و هم می‌تواند بخش کشاورزی را شامل شود. این منطق از یک پشتوانهٔ نظری مستحکم در طی یک دوره زمانی بالغ بر ١٥٠ سال برخوردار است. لازم به تذکر است که این زمینه نیز مجموعه‌ای از دقت‌ها و هوشمندی‌های سیاستی و اجرائی مورد نیاز است که به تفصیل اول بار توسط فردریک لیست از بنیان‌گذاران مکتب تاریخی آلمان مطرح شده (لیست، ١٣٨٥: ٦٥-٦٣) و به واسطه عدم اعمال آن دقت‌ها در کشورهای در حال توسعه اصل ضرورت حمایت از بنگاه‌های نوپا نیز در این کشورها به چالش کشیده شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، اصل ضرورت و اجتناب‌ناپذیری حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از یک مبانی مستحکم نظری و نیز پشتوانهٔ قابل توجهی از تجربیات موفق در جهان برخوردار است، اما مسئله این است که اصل ضرورت حمایت و ابزارهای مورد نیاز آن از جمله پرداخت یارانه یک بحث است و «چگونگی» استفاده از این ابزار و نیز شرایط به کارگیری این ابزارها چیز دیگری است. به نظر می‌رسد کشورهای در حال توسعه باید به این واقعیت توجه بیش‌تری مبذول نمایند که ابزارهای سیاستی به خودی خود و فی‌نفسه فاقد هرگونه «حسن» یا «قبح» ذاتی هستند و برحسب آن‌که با چه «اهدافی توسط چه «کسانی» تحت چه «شرایطی» و «چگونه» مورد استفاده قرار گیرند آثار و پیامدهای متفاوتی به همراه خواهند داشت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بنابراین، حتی اگر در کشوری از یک بازار سیاستی بارها و بارها براساس اهداف نادرست و توسط اشخاص ناوارد و در شرایط نامساعد و به روش و به روش‌های نادرست استفاده شد و پیامدهای خسارت‌باری به همراه داشت نمی‌تواند به وجود اشکالات ذاتی در آن ابزار استناد کرد. همان‌گونه که عکس این حالت نیز کاملاً درست است. به این معنا که اگر یک ابزار سیاستی بارها و بارها با هدف‌گذاری دقیق و توسط اشخاص دارای صلاحیت‌های کافی در یک شرایط مناسب و به شیوه‌ای اندیشیده مورد استفاده قرار گرفت و ثمربخش بود نمی‌توان برای آن ابزار حسن ذاتی در نظر گرفت.

بدیهی است که پرداخت یارانه نیز به عنوان یک ابزار سیاستی دقیقاً مشمول این حکم بوده و هم از این روست که ملاحظه می‌شود اصولاً همه گزاره‌های عالمانه و مبتنی بر مبانی نظری قابل دفاع و به صورت مشروط و به قاعده کلی اگر... پس آنگاه... ظاهر می‌شوند.

لایحهٔ هدفمند کردن یارانه‌ها چه می‌گوید

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس دولت در بیان ضرورت هدفمند کردن یارانه‌ها ادعا نموده که اشکالات زیر در نظام پرداخت یارانه‌ها موانع جدی در جهت رسیدن به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نیز اعمال سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی به وجود آورده است:

۱- کالاها و خدمات مشمول یارانه‌ها د رست انتخاب نشده‌اند.

۲- یارانه‌ها به اهداف مور نظر اصابت نمی‌کنند.

۳- نظام فعلی پرداخت یارانه مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری را مختل و ناکارا ساخته است.

٤- نظام فعلی پرداخت یارانه موجب قاچاق کالاهای یارانه‌ای شده است.

۵- نظام فعلی پرداخت یارانه آلودگی‌های زیست محیطی را افزایش داده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

علاوه بر این، در لایحه دولت عنوان شده است که برای اصلاح موارد مزبور اصلاح قیمت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. ضمن آن‌که از دیدگاه دولت براساس این پیش‌فرض که کانون اصلی اصلاح قیمتی در اقتصاد ایران بخش انرژی است تصریح شده که این کار صرفاً از طریق جهش قیمت این محصولات امکان‌پذیر است ضمن آن‌که اصل ضرورت کاربست سیاست‌های غیرقیمتی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. لایحهٔ پیشنهادی دولت به شش محور قابل تقسیم است که در محول اول که اصلاح قیمت‌ها را در نظر دارد پیش‌بینی شده که بهای فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع حداکثر ظرف سه سال باید به معادل ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس برسند. برای گاز طبیعی پیشنهاد شده که طی سه سال فروش داخلی آن به حداکثر ۷۵ درصد میانگین قیمت گاز طبیعی صادراتی برسد. در مورد قیمت برق پیشنهاد شده که سه ساله قیمت فروش معادل قیمت تمام شده باشد، ضمن آن‌که برای موارد خاص در مورد قیمت برق و گاز طبیعی اعمال قیمت‌های تبعیضی در نظر گرفته شده است. در محور دوم از سوی دولت پیشنهاد شده که ٦٠ درصد منابع حاصل از اصلاح قیمت‌ها یا دریافت عوارض صرف جبران آسیب‌های وارده به خانوارهای آسیب‌پذیر و توان‌مندسازی آن‌ها و گسترش و تعمیق نظام تأمین اجتماعی شود. محور سوم، از دیدگاه دولت حمایت هدفمند از بنگاه‌هاست و طی آن پیشنهاد شده که ۱۵ درصد منابع حاصل از وارد کردن شوک قیمتی به حامل‌های انرژی صرف بهینه‌سازی مصرف انرژی، اصلاح فناوری‌های تولید، گسترش حمل و نقل عمومی، حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی، صنعتی، صادرات غیرنفتی و تولید نان صنعتی انبوه و بالاخره جبران زیان بنگان‌های عرضه‌کننده خدمات آب، برق، گاز و فرآورده‌های نفتی در دوره گذار گردد. محو رچهارم ناظر بر اختصاص ۲۵ درصد وجوه حاصله برای جبران آثار هدفمند کردن یارانه‌ها بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت اختصاص یابد. محور پنجم، تشکیل صندوق هدفمندسازی یارانه‌ها است و محور ششم ناظر بر توقف احکام افزایش دستمزدهای ناشی از جهش قیمت‌ها، افتتاح حساهای هدفمندسازی یارانه‌ها، افزایش آستانه معافیت‌های مالیاتی و... است. (علائی، ۱۳۸۷)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مهم‌ترین ایرادی که مرکز پژوه‌های مجلس بر این لایحه به لحاظ شکلی وارد کرده این است که لایحه مزبور هیچ‌گونه اسناد پشتیبان مکتوبی که به صورت رسمی و با مهر دولت منتشر شده باشد، ضمیمه ندارد که لااقل مفروضات، منطق‌ها و مبانی نظری مباحثات خود را توضیح داده و همراه لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده باشد (تصدیقی، ۱۳۸۷).

به واسطه این خلأ جدی یعنی فقدان مبانی و منطق کارشناسی مشخص از سوی دولت می‌توان فهرستی از بی‌شمار سؤالات، تعارض‌ها و تناقض‌ها در این لایحه تهیه نمود. برای مثال، وقتی دولت از مجلس تقاضای کسب مجوزی می‌کند که طی آن به موازات وارد کردن شوک‌های قیمتی بسیار بزرگ به حامل‌های انرژی الزام‌های قانونی مربوط به متناسب‌سازی حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان کان‌لم یکن تلقی گردد و برای این لایحه نیز مهم‌ترین کارکردی که در نظر گرفته می‌شود اصلاح سیستم قیمت‌ها نام‌گذاری شده.

ترجمان علمی و عملی درک دولت از واقعیت‌های اقتصادی ایران این است که گویی همه قیمت‌ها در ایران با استانداردهای بین‌المللی تطابق یافته و فقط قیمت بنزین و گازوئیل و نفت سفید و... از این قافله عقب مانده‌اند و با کسب این مجوز باید آن‌ها را هم با استانداردهای بین‌المللی هم‌آواز ساخت. ابتدایی‌ترین پرسش که در این زمینه قابل طرح است، این است که آیا واقعاً ما جرا اینگونه است و برای مثال؛ کارگران و کارمندان ما مزد و حقوقی هم‌تراز با کارگران و کارمندان کشورهای صنعتی دریافت می‌کنند؟!

بدیهی است که پاسخ این سؤال منفی است و گزارش‌های رسمی منتشره از سوی بانک جهانی حکایت از این واقعیت دارد که نه تنها مزد و حقوق پرداختی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران هم‌تراز آنها نیست بلکه با لحاظ کردن تخصص و مهارت یکسان بعضی از کشورهای صنعتی مزد و حقوقی بالغ بر صد برابر آنچه که کارگران و کارمندان برخی کشورهای در حال توسعه دریافت می‌کنند، دارند. (بانک جهانی، ۱۳۸۷)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بنابراین، اگر واقعیت تعارضی به این بزرگی و دهشتناکی را به نمایش می‌گذارد، فقدان اسناد پشتیبان توجیه‌کننده جهت‌گیری‌های پیشنهادی دولت جای این سؤال را باقی می‌گذارد که چرا کارگران و کارمندان کشوری که حقوق و دستمزدی حدود یک صدم همتاهای خود در کشورهای صنعتی دریافت می‌کنند، می‌بایست در زمینه برخی از اقلام هزینه‌هایشان، قیمت‌هایی هم‌تراز با آنها پرداخت نمایند.

نکته بعدی این است که اگر تنظیم قیمت بنزین و گازوئیل و نفت کوره بر اساس استانداردهای بین‌المللی از پشتوانه منطقی کافی برخوردار است چرا این قاعده و منطق همه‌جا و در مورد همه حامل‌ها به کار گرفته نمی‌شود؟ برای مثال در حالی که براساس گزارش‌های رسمی وزارت نیرو و مرکز پژوهش‌های مجلس قیمت تمام شده برق در کشورمان معادل ۳ برابر میانگین قیمت جهانی آن است، چرا در مورد برق لایحه پیشنهادی به جای مبنا قرار دادن ضابطه استانداردهای جهانی، استاندارد «قیمت تمام شده» تولیدکننده انحصاری دولتی را مبنا قرار داده است یا چرا در حالی که بنا به گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام میزان تلفات در فرایند تولید برق در ایران پنج برابر میانگین جهانی تلفات برق است دولت با صحه گذاشتن بر روی استمرار این الگوی تولید ناکارآمد در صدد تحمیل هزینه‌های این ناکارآمدی به مصرف‌کنندگانی است که هیچ‌نوع سهم و نقشی در این تولید ناکارآمد ندارند. (کاظم‌زاده، ۱۳۸۷)

روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی ـ تحلیلی استفاده شده و تحلیل‌ها نیز بر مبنای رویکرد نظری نهادگرایان به توسعه و بر محور تمرکز روی مسئله میزان قدرت انعطاف بخش کشاورزی در زمینه واکنش مساعد و به موقع نشان دادن به تغییرات ناگهانی و بزرگ قیمتی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

تجربه شکست خورده برنامه تعدیل ساختاری در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ منشأ مطالعات و بررسی‌های بی‌شماری در مقیاس جهانی گشت. یکی از مهمترین زمینه‌های اشتراک در این ارزیابی‌ها در راستای توضیح دلایل شکست خسارت‌بار این برنامه در میان اکثریت قریب به اتفاق کشورهای در حال توسعه مسئله قدرت انعطاف بسیار محدود این کشورها در زمینه نشان دادن واکنش مناسب و به موقع نسبت به تغییرات بوده است. (مؤمنی، ۱۳۸٦)

این مسئله که درواقع به گونه‌ای ناظر بر توجه به این واقعیت است که کشورهای در حال توسعه به خاطر رنج بردن از یک کاستی و بیماری فراگیر یعنی تصلب ساختاری حتی اگر در معرض وقوع یک شوک مثبت به پیکره اقتصاد خود باشند نیز به واسطه محدودیت‌هایی که در زمینه واکنش به موقع و منطقی نشان دادن به این پدیده دارند، نه تنها قادر به استفاده از فرصت‌های مناسب ناشی از آن شو ک مثبت نیستند بلکه حتی ممکن است انعطاف‌پذیری محدود آنها منجر به تبدیل شدن فرصت‌های ناشی از آن شوک به تهدیدهای بزرگ و پرخسارت گردد.

مهمترین نمونه‌ای که در این زمینه در ادبیات توسعه مطرح می‌شود نحوه مواجهه کشورهای نفتی با شوک‌های قیمتی در بازارهای جهانی است در حالیکه بسیاری از نظریه‌های توسعه به ویژه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹٦۰ میلادی نقطه عزیمت خود را برای تبیین پدیده توسعه‌نیافتگی، محدودیت‌ها و تنگناهای کشورهای فقیر و عقب‌مانده در زمینه انباشت سرمایه به حساب می‌آوردند و در این زمینه هم مهم‌ترین مسئله را دسترسی محدود این کشورها به منابع ارزی برای واردات آنچه که تکنولوژی‌های پیشرفته و مناسب خوانده می‌شد، اعلام می‌کردند افزایش جهشی و چشم‌گیر قیمت نفت در سال‌های اولیه دهه ۱۹۷۰ نه تنها نتوانست کمک چشمگیری به رفع عقب‌ماندگی‌های تاریخی در این کشورها بنماید بلکه نابسامانی‌ها و به هم‌ریختگی‌ها و عدم تعادل‌هایی که به وجود آورد به اندازه‌ای بود که در برخی از این کشورها از جمله ایران به افزایش بی‌سابقه نارضایتی‌ها تا مرز دگرگونی رژیم سیاسی حاکم منجر گردید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بنابراین، وقتی در یک کشور در حال توسعه حتی از تغییرات سریع مثبت نمی‌توان به دلیل انبوهی از تنگناهای ساختاری و نهادی استفاده مؤثرو مفید نمود، می‌توان تصور کرد که اگر یک شوک بزرگ اقتصادی وارد شود که نه مبنا و منطق نظری چندان قابل دفاعی دارد و نه تجربه‌های موفق و قابل قبولی از آن در مقیاس کل کشورهای در حال توسعه وجود دارد، می‌توان اجمالاً تصویری از چشم‌اندازهای آینده به دست آورد. از این زاویه، به اعتبار تجربیات تاریخی ایران، به ویژه تجربه وارد آوردن شوک قیمت ارز در سال‌های پایانی دهه ۱۳٦۰ شمسی می‌توان به صورت کلی پیش‌بینی نمود که وارد کردن شوک قیمتی در شرایط کنونی ایران قادر به حل منطقی و پایدار هیچ‌یک از نارسایی‌هایی که در حوزه تولید و مصرف حامل‌های انرژی کشورمان وجود دارد، نیست.

این درست است که شدت مصرف انرژی در ایران بسیار بالاست و چشم‌انداز روندهای رشد مصرف حامل‌های انرژی نیز نگران‌کننده است. اما باید دید منشأ اصلی این روندهای نگران‌کننده چیست؟

براساس آمارهای ترازنامه انرژی کشور که هر ساله توسط وزارت نیرو تهیه شده و با یک وقفه زمانی یک ساله انتشار می‌یابد، سالانه معادل ۳٤ درصد از کل مصرف انرژی کشور در شبکه تولید و توزیع حامل‌های انرژی و قبل از رسیدن به بازار مصرف اتلاف می‌شود. میزان انرژی اتلاف شده از این ناحیه در سال ۱۳۸٦ معادل ۳٥٦ میلیون بشکه نفت خام بوده است. رقم مزبور تقریباً معادل یک میلیون بشکه نفت خام در روز است و حکایت از آن دارد که چیزی حدود ۲٥ درصد کل تولید نفت خام روزانه کشور قبل از آنکه اساساً مصرف‌کنندگان مجال ایفای نقش پیدا کرده باشند، هدر می‌رود و این در حالی است که شبکه‌های تولید و توزیع حامل‌های انرژی به صورت انحصاری در اختیار دولت قرار دارد و اینگونه نیست که از طریق افزایش قیمت حامل‌ها، مصرف کننده‌ها به هر صورتی واکنش نشان دهند. این اتلاف وحشتناک انرژی کشور در سال ۱۳۸٦ حکایت از آن دارد که کل انرژی مصرف شده در بخش‌های خانگی و خدمات معادل ٤۲۳ میلیون بشکه نفت خا م بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

به عبارت دیگر، میزان اتلاف انرژی در شبکه توزیع و تولید حامل‌های انرژی از طریق دولت به مثابه متولی انحصاری این شبکه معادل ۸۲ درصد کل رقم مزبور است. همچنین در گزارش مزبور نشان داده شده است که کل مصرف انرژی بخش صنعت کشور در سال ۱۳۸٦ معادل ۲۳۷ میلیون بشکه نفت خام بوده است.

به عبارت دیگر، میزان اتلافی که در شبکه تولید و توزیع حامل‌های انرژی اتفاق می‌افتد تقریباً معادل ۱/۵ برابر کل مصرف انرژی در بخش صنعت کشورمان می‌باشد. این مسئله از جنبه‌های دیگر هم قابل بررسی است. برای مثال؛ ترازنامه انرژی کشور در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که بین ۷۵ درصد تا ۷۰ درصد از مشترکین کشور اساساً به میزانی پایین‌تر از الگوی مصرف تعریف شده توسط دولت برق مصرف می‌کنند و این طور نیست که با ایجاد جهش در قیمت برق نیاز باشد که ما الگوی مصرف آنها را تصحیح کنیم. (مهرآزما، محمدخانی و دیگران، ۱۳۸۷) یا براساس آمار سال ۱۳۸۵ سازمان راهداری و حمل و نقل کشور از نزدیک ۲۰۰ هزار کامیون شناخته شده در حال تردد در حمل و نقل جاده‌ای ایران بیش از ۷۵ هزار دستگاه دارای عمری بیش از ۲٦ سال است و بیش از ۳۱۵۰۰ دستگاه نیز مربوط به کامیون‌های با عمر ۲۵-۲۱ سال است.

به عبارت دیگر، ۵۳/۵ د رصد از کل کامیون‌های جاده‌ای شناسنامه‌دار کشور عمر بالای ۲۱ سال دارند و چون فرسده شده‌اند در هر یکهزار کیلومتر چیزی حدود ٦۰ لیتر گازوئیل مصرف می‌کنند در حالی که کامیون‌های جدید زیر ۳۰ لیتر مصرف می‌کنند تا همان مسافت را طی کنند. این مسئله عیناً در مورد خودروهای سواری تولید شده در کشور نیز موضوعیت دارد. بنابراین، وقتی گفته می‌شود که مصرف بنزین در کشورمان رشد چشم‌گیری دارد که البته حرف صحیحی می‌باشد، معنای دقیق آن، این است که خودروسازهای عموماً دولتی و شبه‌دولتی ما در حال تولید خودروهایی هستند که بیش از دو برابر استانداردهای جهانی بنزین مصرف می‌کنند. بنابراین، راه اصولی کاهش مصرف بنزین اصلاح الگوی تولید آنها است که همچنان در انحصار دولتی‌ها و شبه دولتی‌ها است

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

نه تنبیه مصرف‌کنندگان بی‌دفاعی که هیچ نقشی در تولید این خودروها با چنان کیفیتی ندارند. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس برآورد شده است که راه‌آهن سراسری کشور حدود ۱۳۰ میلیون تن ظرفیت حمل بار دارد در حالی که عملاً چیزی حدود ۳۳ میلیون تن بار حمل می‌کند که این میزا ن سهمی حدود ۸-۷ درصد کل جابه‌جایی بار کشور را شامل می‌شود.

به این ترتیب، به واسطه تنگناهایی که در زمینه فعلیت بخشیدن به ظرفیت حمل بار سیستم کاملاً انحصاری دولتی راه‌آهن وجود دارد، اجباراً حمل و نقل بیش از ۹۰ درصد کالاها از طریق جاده‌ای صورت می‌پذیرد. این مسئله، عیناً در مورد حمل و نقل مسافر نیز موضوعیت دارد به این معنا که براساس آمار سال ۱۳۸۵ سازمان راهداری و حمل و نقل کشور ۲۶ درصد اتوبوس‌های مسافربری مابین ۳۰-۲۱ سال عمر داشته‌اند و نسبت مزبور برای مینی‌بوس‌های جاده‌ای فرسوده و با عمر بیش از ۲۱ سال بیش از ۶۸ درصد بوده است.

این گزارش نشان می‌دهد که از کل مسافران ۴۲۰ میلیون نفری سال ۱۳۸۵ فقط حدود ۳۰ میلیون نفر توسط راه‌آهن جابه‌جا شده‌اند. از آنجا که بالغ بر ۹۷ درصد ناوگان باری جاده‌ای کشور به افراد حقیقی و حقوقی خصوصی تعلق دارد و این نسبت برای ناوگان مسافری جاده‌ای کشور به بیش از ۹۹/۵ درصد بالغ می‌شود، راه علاج بحران شدت مصرف انرژی بالا ایجاد جهش در قیمت بنزین و گازوئیل نیست بلکه بایست با یک برنامه‌ریزی اصولی و منطقی ابتدا اتلاف انرژی وحشتناک در شبکه تولید و توزیع حامل‌های انرژی را اصلاح کنیم و سپس به واسطه آنکه انرژی مورد نیاز در حمل و نقل ریلی حدود یک پنجم حمل و نقل جاده‌ای است شبکه ریلی کشور را تقویت نماییم و بالاخره به اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در حمل و نقل جاده‌ای بار و مسافر کمک کنیم تا کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های فرسوده خود را جایگزین کنند و اگر به جای هر کدام از این کارها حامل‌های انرژی را با جهش قیمتی روبرو سازیم نه تنها بهبودی در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مصرف انرژی پدیدار نمی‌شود بلکه بسیاری ناهنجاری‌های دیگر را نیز باید متحمل شـویم. (همان)

بنابراین، ملاحظه می‌شود که حتی قبل از آنکه درباره این موضوع بحث کنـیم کـه اگـر وارد کردن شوک قیمتی به حامل‌های انرژی راهگشایی و ثمربخشی دارد یا نـه کـه دیـدیم ندارد باید راجع‌به این نکته نیز توجه داشته باشیم که تجربه کشور در نحوه استفاده از منابع ارزی حاصـل از جهـش قیمـت نفـت در بازارهـای جهـانی ایـن پیـام را بـرای نظـام سیاست‌گذاری کشور دارد که حتی اگر جهش قیمت حامل‌های انرژی در بـر دارنـده آثـار مثبت می‌بود نیز ساختارها و نهادهای ما اجازه جستجوی راه‌حـل‌هـای مثبتـی بـر شـوک‌د رمانی را به ما نمی‌داد. برای اطمینان خاطر در این زمینـه بـه یکـی از آخـرین تجربـه‌هـای کشورمان در زمینه آزمون شوک‌درمانی می‌توان مراجعه کرد یعنی تجربه تلاش برای کاهش دستوری نرخ بهره در سال ۱۳۸٤ به بعد همگان می‌دانند که نرخ‌های بهره متمایل به سمت صفر در همه مکتب‌های اقتصادی مطلوب ارزیابی می‌شود. بنابراین چه در الگوهای نظـری مکتب سرمایه‌داری، چه در مارکسیسم و چه در اسلام هنگامی که نرخ بهره در بازار رسمی پول به سمت صفر متمایل می‌شود مورد استقبال همه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان در همه مکتب‌های شناخته شده اقتصادی قرار می‌گیرد اما یکی از شگفت‌انگیزترین حوادثی کـه در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی از سال ۱۳۸٤ به بعد در کشورمان مشاهده شد این بود کـه به دنبال تصمیم دولت مبنی بـر کـاهش دسـتوری نـرخ بهـره تقریبـاً همـه اقتـصاددانان از طیف‌های فکـری متفـاوت بـه اتفـاق بـا ایـن سیاسـت مخالفـت ورزیدنـد. ایـن واکـنش شگفت‌انگیز نیازمند آن است که در جای خود مورد بررسی‌های جدی‌تر و عمیـق‌تـر قـرار گیرد.

بدیهی است که واکنش‌های مخالفت‌آمیـز طیـف‌هـای گونـاگون اقتـصاددانان دلایـل و منطق‌هایی متناسب با مبنای نظری هر یک از آنها دارد. اما اینکه همگان روی اصل نادرست بودن این جهت‌گیری توافق داشته‌اند مسئله‌ای به غایت قابل تأمل است. اما مهم‌تـر از ایـن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مسئله فرجام کار است که نشان داد تا چه میزان حق با اقتصاددانان بوده و کلید بحث هم مسئله انعطاف‌پذیری محدود یک ساخت در حال توسعه و رانتی است که موجب می‌شود انتظارات تئوریک از طریق کاهش دستوری نرخ بهره محقق نشود. اما به هم ریختگی‌ها و گسیختگی‌ها و مفاسد بیشتری به اقتصاد ملی تحمیل گردد.

بحث بر سر آن است که دست‌اندرکاران دولتی در واکنش به همه اعتراضات و انتقادات به این پاسخ بسنده می‌کردند که می‌بایست از طریق کاهش دستوری نرخ بهره گرایش به سرمایه‌گذاری را افزایش دهیم.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آنچه که در عمل اتفاق افتاد به این گونه است که گرچه میانگین نرخ سود اسمی از ١٦ درصد در سال ١٣٨٤ به ١٢ درصد در سال ١٣٨٧ رسیده است، با این حال شواهد آماری بیانگر آن است که روند سرمایه‌گذاری (تغییر در تشکیل سرمایه ناخالص داخلی) در سال‌های مزبور روندی کاهشی را نمایان می‌سازد. توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که به قاعده سند قانون برنامه پنج ساله چهارم به ازاء تخصیص سالانه با میانگین ٢٠ میلیارد دلاری از درآمدهای نفتی می‌بایست نرخ رشد تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به طور متوسط در هر سال ١٢ درصد باشد. اما گزارش مرکز پژوهش‌ها نمایانگر این واقعیت است که نرخ رشد متغیر مزبور در سال ١٣٨٤ معادل ٥ درصد، در سال ١٣٨٥ معادل ٣/٣ درصد و در سال ١٣٨٦ معادل ٦ درصد بوده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ١٣٨٨)

این در حالی است که طی سال‌های مزبور میزان منابع ارزی تخصیص‌یافته از محل صادرات نفت خام به طور متوسط بالغ بر ٥٠ میلیارد دلار در هر سال بوده است ضمن آنکه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از آن حکایت دارد که با وجود کاهش معنی‌دار میانگین نرخ سود اسمی در دوره ١٣٨٤ تا ١٣٨٧ علاوه بر افت سرمایه‌گذاری حتی سپرده‌های دیداری هم با یک کاهش چشمگیر نرخ رشد روبرو بوده‌اند به گونه‌ای که شاخص مزبور از رشد ٢٩/١ درصد در سال ١٣٨٦ به نرخ رشد ١٣/١ درصد، در سال ١٣٨٧ رسیده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

گزارش مزبور می‌افزاید؛ در حالی که رشد سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار نیز در همین فا صله از ۲۷ د رصد به ۱٤/۸ درصد کاهش یافته است، سؤال این است کـه منـابع مـالی خارج شده از سیستم با نکی آن هم در این مقیاس عظیم و تکان‌دهنده جـذب کـدام بـازار شده است و در ادامه می‌آفزاید که با توجه به رونق بازار مسکن در سـال ۱۳۸٦، مـی‌تـوان بخشی از مسئله را در آن سال به جذب منابع مالی در بازار مسکن نسبت داد امـا در مـورد سال ۱۳۸۷ چنین ادعایی قابل قبول به نظر نمی‌رسد چرا که در این سـال بـازار مـسکن در کرود بوده است، بازار بورس هم در این سال وضعیتی بهتر از بازار مسکن نداشته و سـایر بازارها نظیر بازار طلا و ارز نیز جذابیت چندانی نداشته‌اند. (همان)

ملاحظه می‌شود که انعطاف‌پذیری محدود سـاختاری و نهـادی چگونـه مـانع اسـتفاده مناسب از فرصت‌های مهمی نظیر جهش درآمدهای نفتی یا کاهش نـرخ بهـره مـی‌شـود و در عین حال تصلب ساختارها و نهادها موجب می‌گردد که در عمل نه تنها دستاورد مثبتی از ایـن شوک‌های به‌ظاهر مثبت که روی سودمندی آنها اتفاق‌نظر نسبی وجود دارد، حاصل نمی‌گـردد بلکه انبوهی از خسارت‌ها و عقب‌گردها و پس‌رفت‌ها نیز به نظام ملی تحمیل می‌شود.

کلید بحث در این مقاله تذکر این نکته است که در یک اقتصاد توسـعه نیافتـه و رانتـی مانند اقتصاد ایران با درجه نسبتاً بالای تصلب ساختاری که عواقب پـیش‌گفتـه را حتـی در زمینه تغییرات ابتدا به ساکن مثبت به همراه دارد در مورد حامـل‌هـای انـرژی بایـد توجـه داشت که شوک درمانی در زمینه حامل‌های انرژی به شرحی که گذشت از اساس فاقد مبنا و منطق علمی بوده و در عین حال اگر مبنا و منطقی وجود می‌داشت نیز اثربخشی مثبت آن مشروط به وجود طیف متنوعی از پیش‌نیازها و پیش‌شرط‌ها است که تقریباً هیچ‌یک از آنها در اقتصاد ایران در حد لازم وجود ندارد. بنابراین، اگر در مورد تغییرات مربوط به قیمـت نفت در بازارهای جهانی کوچک‌ترین احتمالی از وجود آثار مثبت داده می‌شـد یـا اگـر در مورد کاهش دستوری نرخ بهره نیز چنین تصوراتی وجود داشـت در مـورد شـوک قیمتـی تحمیل شده به حامل‌های انرژی حتی آن احتمال‌ها نیز داده نمی‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

شوک درمانی و بخش کشاورزی

در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در ایران آسیب‌پذیری نسبی بخش ک شاورزی به دلایل گوناگون از بخش‌های دیگر اقتصادی به مراتب بیشتر است به همین خاطر انتظار می‌رود که به واسطه قدرت انعطاف کمتر این بخش در برابر تغییرات خواه تغییرات ناگهانی مثبت و خواه تغییرات ناگهانی منفی احتمال نشان دادن واکنش مناسب و به موقع در برابر هر تغییری در این بخش بسیار کمتر بوده و بنابراین، خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از شوک‌درمانی حتی اگر مستقیماً شوک در نظر گرفته شده در ظاهر این بخش را هدف قرار نداده باشد فوق‌العاده بیشتر خواهد بود.

هنگامی که بخش کشاورزی با خسارت‌ها و آسیب‌های گسترده روبرو می‌شود به شکل‌های متفاوت و از کانال‌های گوناگون این آثار و عوارض منفی کلیت توسعه ملی را هدف قرار داده و به این ترتیب، پیچیدگی‌ها و بحران‌های ناشی از چنین اشتباه فاحشی در گستره و عمق بی‌سابقه‌ای کلیت نظام ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

در پاسخ به این سؤال منطقی که چرا بخش کشاورزی آسیب‌پذیری نسبی بیشتری از شوک‌های وارده از خود نشان می‌دهد اقتصاددانان توسعه و اقتصاددانان متعارف استدلال‌های متعارف و متنوعی را مطرح می‌سازند. یکی از متداول‌ترین توضیحات در این زمینه که در تمامی کتاب‌های درسی اقتصاد خرد مورد توجه قرار گرفته ویژگی‌های خاص نظام تولید محصولات کشاورزی و نحوه واکنش نشان دادن کشاورزان به تغییرات قیمتی محصولات این بخش است. این پدیده که در ادبیات اقتصاد خرد در چارچوب الگوی کاب ـ وب (Cobb-Web) و در قالب منحنی تار عنکبوتی به بحث گذارده می‌شود حکایت از این مسئله دارد که کشاورزان در برابر تغییرات قیمتی در بهترین حالت با یک وقفه زمانی یک ساله قادر به واکنش نشان دادن هستند. به عبارت دیگر، از آنجا که تصمیم‌گیری در زمینه نوع محصول و میزان محصول در بخش کشاورزی می‌بایست یک سال زودتر اتخاذ شده و اقدامات مربوط شروع شود یک انعطاف‌ناپذیری اجتناب‌ناپذیر از این ناحیه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

متوجه بخش کشاورزی است.

مسئله بعدی آن است که در کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران حتی هنوز هم ساخت مسلط تولید کشاورزی، ساخت تولید معیشتی است و بنابراین، به واسطه آنکه در ساخت تولید معیشتی میزان استفاده از دستاوردهای جدید علمی ـ فنی به دلایل گوناگون در کوتاه‌مدت قابل افزایش معنی‌دار و چشمگیر نیست خود این مسئله به تصلب ساختاری موجود در بخش کشاورزی، تنگناها و محدودیت‌های بیشتری را تحمیل می‌نماید.

نکته بعدی در این زمینه به پراکندگی فوق‌العاده و بی‌سازمان روستائیان مربوط می‌شود. روستائیان در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران نه چندان متشکل و سازمان‌یافته هستند و نه صدایی قابل تأمل در نظام تصمیم‌گیری دارند و نه رسانه مؤثر و چشمگیری دارند که به آنها اجازه واکنش به موقع نشان دادن در برابر تغییرات و تصمیماتی بدهند که منافع آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

سطح نازل‌تر سرمایه‌های انسانی فعال در این بخش در کنار فقدان زیرساخت‌های قابل مقایسه با زیرساخت‌های بخش صنعت و جامعه شهری همراه با دسترسی بسیار اندک آنها به گزینه‌های بدیل بخش دیگری از مؤلفه‌هایی را تشکیل می‌دهد که قدرت انعطاف نسبتاً کمتر بخش کشاورزی و جامعه روستایی را توضیح می‌دهد و سرانجام آنکه حتی هنگامی که با همه این تنگناها و محدودیت‌ها این بخش تصمیم به اتخاذ واکنش می‌گیرد و همه انرژی خود را در این راستا متمرکز می‌سازد دولت در برابر آنها وضع می‌گیرد زیرا برای یک کشور در حال توسعه به ویژه اگر این کشور در معرض آسیب‌ها و عوارض اقتصاد سیاسی رانتی قرار داشته باشد به دلایل بی‌شمار که شرح مبسوط آنها از حوصله این مقاله خارج است مسئله قیمت مواد غذایی و محصولات کشاورزی یک پاشنه آشیل محسوب می‌شود که در اکثریت قریب به اتفاق تجربه‌های مشاهده شده از سال‌های اولیه دهه ۱۹۸۰ تاکنون ناآرامی‌ها و اعتراضات شهری از این نقطه شروع شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بنابراین، حتی اگر شوک‌های قیمتی بسیار بزرگ قیمت نهاده‌های کشاورزی را هدف قرار دهند و افزایش قیمت محصولات کشاورزی و مواد غذایی را اجتناب‌ناپذیر سازند از منظر ملاحظات اقتصاد سیاسی دولت‌های در حال توسعه حتی به قیمت نابودی کشاورزان در برابر افزایش چشمگیری قیمت محصولات آنها مقاومت می‌کنند و در این مسیر واردات محصولات کشاورزی یکی از مهمترین ابزارهای آنها است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در این زمینه از یک طرف آسیب‌پذیری‌ها بیشتر است و از طرف دیگر قدرت چانه‌زنی کشاورزان و روستائیان در هیچ زمینه‌ای اجازه برخورد فعال و مؤثر با آسیب‌های وارده را به آنها نمی‌دهد.

مروری اجمالی به دو تجربه تاریخی بسیار مهم در ایران این مسئله را به نحو شایسته‌ای می‌تواند منعکس سازد. به ویژه آنکه اگر برای علاقه‌مندان این موضوع امکان آن وجود داشته باشد که با فراغ بال بیشتر به اسناد مکتوب ثبت شده در این دو زمینه کنار هزینه‌های غیرمتعارفی که نظام ملی از ناحیه آسیب‌های وارده به بخش کشاورزان و جامعه روستایی پرداخته است، مراجعه گردد.

تجربه اول، به مرحله اول اصلاحات ارضی مربوط می‌شود چیزی که براساس مستندات جمع‌آوری شده توسط احمد اشرف مهمترین مشخصه‌اش از دیدگاه اکثریت قریب به اتفاق موافقان و مخالفان مرحله اول اصلاحات ارضی پیشبرد کار به روش ضربتی!! از سوی حسن ارسنجانی دانسته شده است. (اشرف، ۱۳۸۷)

پیشبرد اصلاحات ارضی که مهمترین وجه آن توزیع عادلانه مهمترین دارائی مولد در بخش کشاورزی در آن زمان یعنی زمین‌های زراعی است و علی‌الاصول می‌بایست به نحو شگفت‌انگیزی ساختار انگیزش تولیدکنندگان اصلی بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده و تقویت نماید به واسطه همین مؤلفه یعنی اصرار بر شوک درمانی از منظر رویه‌های اجرائی در بخشی که از بالاترین سطح تصلب ساختاری رنج می‌برد باعث شد که به دنبال مرحله اول اصلاحات ارزی تولید کشاورزی در ایران با افت معنی‌دار روبرو شود و تنها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

پس از آنکه طی مراحل دوم و سوم اصلاحات ارضی تـدابیر و تمهیـدات نهـادی لازم در دستور کار قرار گرفت تولید کشاورزی آرام آرام شروع به افزایش نمود. (اصغری، ۱۳۸۸)

آیا در میان پژوهشگران و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی تردیدی راجـع بـه توانـایی انگیزشی خارق‌العاده اصلاحات ارضی برای دهقانان وجود دارد و اگر پاسخ منفی است آیا نباید درباره تحمیل هر نوع شوک به بخش کشاورزی و جامعه روستایی ما را وادار به تأمل سازد؟

تجربه دوم به دوره پس از انقلاب اسلامی مربـوط مـی‌شـود. در دوره پـس از انقـلاب اسلامی به ویژه در ده ساله اول آن توجه ویژه‌ای به بخـش کـشاورزی و جامعـه روسـتایی صورت پذیرفت و کارهای نسبتاً خارق‌العاده‌ای در زمینه بهبود زیرساخت‌های ایـن بخـش انجام شد پس از پایان جنگ تحمیلی مسئولان اقتصادی کشور با استدلال‌هایی کـه از نظـر صورت و محتوا مشابهت حیرت‌انگیزی با استدلال‌های طرفداران شوک درمـانی از طریـق جهشی قیمت حامل‌های انرژی داشت بر ضرورت وارد کردن یک شوک بزرگ بـه قیمـت ارز اصـرار مـی‌ورزیدنـد. در آن زمـان نیـز بحـث‌هـایی کـه در میـان موافقـان و مخالفـان شوک‌درمانی از طریق افزایش چشمگیری نرخ ارز مطـرح بـود کمتـرین توجـه بـه آثـار و پیامدهای شوک مزبور به بخش کشاورزی و جامعه روستایی معطوف بود در حالی کـه بـه گواه اسنادی که بعدها به صورت جسته و گریخته انتشار یافت شدیدترین فشارها از ناحیه وارد کردن شوک به قیمت ارز بر بخش کشاورزی و جامعه روستایی وارد گردید. تحولات مربوط به قیمت نهاده‌ها و قیمت محصولات کشاورزی در آن دوره نشان مـی‌دهـد کـه در حالی که قیمت نهاده‌هـا در آن زمـان تـا ١٤ برابـر افـزایش پیـدا کـرد قیمـت محـصولات کشاورزی در کشورمان از مرز ۷ برابر فراتر نرفت و به این ترتیب پیامدهایی ماننـد بحـران مکانیزاسیون و افزایش چشمگیر مهاجرت روستایی بـا همـه عواقـب آن بـرای نظـام ملـی اجتناب‌ناپذیر شد. (مؤمنی، ١٣٨٦)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

نکته بسیار جالب و مهمی که در آن تجربه به وضوح خود را نشان داد، آن بود که بی‌توجهی به آثار و پیامدهای شوک نرخ ارز بر بخش کشاورزی اینگونه توجیه می‌شد که این بخش از نظر وابستگی به ارز بهترین وضعیت را در میان تمام بخش‌های اقتصادی کشور دارد. مسئله‌ای که به لحاظ نگاه حسابداری به منابع و مصارف ارزی بخش‌های سه‌گانه اقتصادی کشور حرف درستی بود اما به مسئله تصلب ساختاری و قدرت انعطاف بسیار محدود این بخش نسبت به سایر بخش‌ها در برابر هر نوع تغییری بی‌توجه بود. به نظر می‌رسد که بازخوانی آثار و پیامدهای این مسئله بر بخش کشاورزی و جامعه روستایی در شرایط کنونی یکی از ضروری‌ترین و پردستاوردترین زمینه‌های قابل تصور باشد.

شوک‌درمانی، عدالت اجتماعی و بخش کشاورزی

با وجود تحول چشمگیری که در زمینه سهم جمعیت روستایی در کل جمعیت کشور ایران طی سه دهه گذشته پدید آمده است. بخش کشاورزی همچنان نقشی حیاتی در اقتصاد ملی ما برعهده دارد به طوری که بالغ بر ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی، ۲۵ درصد از اشتغال، بین ۳۱-۲۵ درصد از صادرات غیرنفتی برعهده این بخش بوده است، ضمن آنکه بیش از ۸۵ درصد مواد غذایی مورد نیاز جامعه و بالغ بر ۹۰ درصد از مواد اولیه مورد استفاده در صنعت را بخش کشاورزی فراهم می‌نماید. (سامانی، ۱۳۸۷)

یکی از شگفت‌انگیزترین ادعاهایی که در موج جدید شوک درمانی از سوی دست‌اندرکاران اقتصاد ایران مطرح شده توجیه این کار با منطق بی‌عدالتی‌های موجود در زمینه توزیع یارانه‌های انرژی و میزان مصرف فرآورده‌های آن است.

همان‌طور که می‌دانیم مسئله عدالت اجتماعی یکی از پیچیده‌ترین و پرمناقشه‌ترین عرصه‌های مباحث در تاریخ تمدن بشری است برای عدالت ساحت‌هایی چون قانون، قضاوت، سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی و روابط بین‌المللی وجود دارد و برای عدالت در میان نظریه‌پردازان از خواست خداوند تا طبیعت‌گرایی از حقانیت ذاتی تا احساس‌گرائی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

از پوزیتیویسم اخلاقی تا کثرت‌گرایی اخلاقی و از تاریخ‌گرایی و قراردادگرایی تا عمل‌گرایی و بنای عقلائی به عنوان مبنا و پایه عدالت موازینی مطرح شده است.

موضوع عدالت نیز از رفتار اجتماعی فرد تا ساختار و کارکرد نهادهای اجتماعی و بالاخره وضعیت نهایی توزیع را شامل می‌شود. به لحاظ ماهوی نیز برای عدالت لباس‌های فاخر و بی‌شماری همچون اعطای حقوق، مراعات شایستگی‌ها، عدم تبعیض، وضعیت بایسته، موضع بی‌طرفانه و توازن اجتماعی دوخته شده است و به لحاظ مفهومی نیز مشهورترین معنا، معنای در نظر گرفته شده برای عدالت از موضع سلبی است و مضمون آن نیز این است که برحسب برداشت‌ها و تلقی‌های متفاوت از حق به طور کلی تعدی به هر حقی بی‌عدالتی محسوب می‌شود.

به لحاظ تئوریک ما با دو طیف عمده از نظریه‌های عدالت روبرو هستیم که وجه مشخصه هر یک از آنها تمرکز بر جنبه‌های فردی یا اجتماعی عدالت است. نظریه‌های فردگرای عدالت بر روی توزیع برحسب شایستگی‌ها تأکید می‌ورزند. (Rasinski, 1987) در حالیکه نظریه‌های جمع‌گرای عدالت اجتماعی رویکردی رادیکال داشته و به نفع برابری حکم می‌رانند و در برابر هر نوع توجیه نابرابری‌ها موضع‌گیری و مرزبندی دارند (Barry, 1989) و برحسب آنکه افق زمانی مورد نظر هر اندیشه‌ورز و نظریه‌پردازی چه باشد و تعادل‌های لحظه‌ای و کوتاه‌مدت یا تعادل‌های پایدار و بلندمدت را وجه همت خود قرار داده باشند هر گروه بر یکی از دو جنبهٔ حیاتی عدالت یعنی رویه‌ها و غایت‌های توزیع منافع در همهٔ بازارها و عرصه‌های حیات جمعی انسان تأکید می‌ورزند. بنیان نظری رویکردهای رویه‌ای و توزیعی به عدالت به ترتیب کتاب‌های گرگیاس افلاطون و اخلاق ارسطو نسبت داده می‌شود. (Sampson, 1975)

کرنیا که مدیریت یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌های تاریخی در زمینه ارزیابی تجربه‌های توسعه در قرن بیستم را برعهده داشته در زمینه عدالت اجتماعی و نقش آن در سرنوشت توسعه تا آنجا پیش می‌رود که به گواه تجربه‌های مشاهده شده در این قرن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مهمترین سرمنشأ توسعه و توسعه‌نیافتگی را نحوه نگاه به مسئله عـدالت اجتمـاعی مطـرح می‌سازد. (Cornia, 1999) بنابراین، واکاوی آثار شوک درمـانی و ایجـاد جهـش در قیمـت حامل‌های انرژی بر بخش کشاورزی و توسعه ملـی از منظـر عـدالت اجتمـاعی مـی‌توانـد افق‌های جدید و بسیار مهمی را فراروی علاقه‌مندان و اهل نظر قرار دهد.

واقعیت این است که تأمین انرژی برای افزایش کارائی محصولات کشاورزی و پیشبرد سیاست‌های بخش کشاورزی از اهمیت اساسی برخوردار است و فرآورده‌های نفتی و برق به عنوان تأمین‌کننده اصلی انرژی بخش کشاورزی ایران مطرح هستند و انرژی‌هـای نـوین در تأمین انرژی این بخش، نقش چندانی در کشور ما ایفا نمی‌کنند. بنابراین، تأمین به موقع و اقتصادی انرژی (به عنوان نهاده مهم تولیدی)، اهمیت ویژه‌ای در افـزایش تولیـدات ایـن بخش و افزایش صادرات غیرنفتی کشاور دارد. (سلیمانی، ۱۳۸۷)

به دنبال آشنایی با ابعاد اهمیت انـرژی در بخـش کـشاورزی و جامعـه روسـتایی و در جهت ورود به بحث عدالت از این منظر آشنایی با جایگاه هزینـه‌هـای انـرژی در سـاختار هزینه خانوارهای روستایی و نسبت جهت‌گیری‌های سیاستی دولت بـا ملاحظـات عـدالت اجتماعی حائز اهمیت اسـت. براسـاس گـزارش‌هـای رسـمی دولـت و محاسـبات مرکـز پژوهش‌های مجلس ترکیب هزینه سالیانه انرژی خانوارهای شهری و روستایی و سـهم آن در مجموع هزینه‌های خانوار از فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی به شرح جدول زیر است.

سهم خانوارهای شهری و روستایی (مصرف خانگی)

حامل انرژی	بنزین	نفت گاز	گاز مایع	نفت سفید	گاز طبیعی
شهری	٦٢/٢	١٦/٤	١٥/٧	٩/٢	٧٧/٤
روستایی	٣٧/٨	٨٣/٦	٨٤/٣	٩٠/٨	٢٢/٦

مأخذ: ترازنامه انرژی کشور

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود نقش مصرف سه فرآورده نفتی (یعنی نفت سفید، نفت گاز و گاز مایع) در مناطق روستایی نسبت به مصرف آنها در مناطق شهری از فزونی معناداری برخوردار است که نشان‌دهنده جایگاه مهم این فرآورده‌ها در زندگی روزمره ساکنین روستاهای کشور است. اگرچه دولت تصمیم دارد، با اجرای طرح تحول اقتصادی، برحسب توان مالی خانوارهای روستایی، مبلغی یارانه نقدی پرداخت نماید. اما باید توجه داشت که با توجه به تنوع مشکلات مالی ساکنین روستایی، به احتمال قوی بخش قابل توجهی از کشاورزان ساکن روستاها مبالغ دریافتی را صرف سایر نیازهای خانوار نمایند و برای تأمین انرژی گرمایشی مورد نیاز خانوار به جایگزین دیگری (از جمله استفاده از هیزم، زغال بوته و فضولات حیوانی) روی آوردند که مطلوب هیچ‌کس نخواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که با توجه به محاسبات کارشناسی ارقام جدول فوق، به نظر می‌آید نفت سفید و گاز مایع تنها فرآورده‌هایی هستند که در شرایط موجود به دلیل گسترش شبکه گاز طبیعی در سطح کشور و بهره‌مندی حدود ۱۲/۵ میلیون خانوار از ۱۷/۵ میلیون خانوار کشور (۷۱/۵ درصد خانوارهای کشور) از گاز طبیعی (به خصوص در شهرها) شکل هدفمند شده‌ای را در توزیع یارانه‌های این فرآورده‌ها به خود گرفته‌اند.

از یارانه تخصیصی به بخش حمل و نقل نیز حدود ٤٠/٦ درصد مربوط به مصرف بنزین و حدود ۵۹/۷ درصد آن مربوط به گازوئیل است که بخش حمل و نقل عمومی (بار و مسافر) آن را مصرف می‌کند. از کل یارانه بنزین مصرفی کشور حدود ۵۰ درصد به مصرف خودروهای شخصی و موتورسیکلت‌ها و مابقی به مصرف خودروهای عمومی حمل بار و مسافر می‌رسد. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که از یارانه انرژی بخش حمل و نقل ۹۷/۷ درصد در بخش حمل و نقل عمومی (بار و مسافر) مصرف می‌شود. همانطور که از جدول مشخص است از کل یارانه حامل‌های انرژی ۲۵/۷ درصد آن در بخش خانگی و حدود ۵/۷۵ درصد از کل یارانه انرژی به صورت بنزین در بخش حمل و نقل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

غیرعمومی (سواری‌های شخصی و موتورسیکلت) مصرف می‌شود یعنی در مجموع ۳٤/۷ درصد کل یارانه انرژی در بخش خانگی و حمل و نقل شخصی (روستایی و شهری) و ٦۸/۵۵ درصد دیگر در بخش‌های کشاورزی، صنعت، حمل و نقل عمومی (بار و مسافر)، تجاری و عمومی مصرف می‌شود. (محمدخانی، مهرآزما و دیگران، ۱۳۸۷)

در اینجا با توجه به ملاحظات پیش گفته برای آنکه مشخص شود که پی‌جویی هدف عدالت از طریق تحمیل شوک‌های بزرگ قیمتی به حامل‌های انرژی از منظر بخش کشاورزی چگونه جنبه عملی و اجرائی پیدا می‌کند توجه به چند نکته ضروری است:

بخش کشاورزی تنها بخشی است که با وجود آنکه تقریباً هیچ نقشی در رشد شدت مصرف انرژی ندارد از ناحیه شوک درمانی بیشترین ضربه‌ها و لطمات را متحمل خواهد شد. براساس گزارش ترازنامه انرژی کشور در سال ۱۳۸۵ در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵ مصرف فرآورده‌های نفتی در بخش کشاورزی از ۲۹/۲ میلیون بشکه معادل نفت خام به ۲٦/۱ میلیون بشکه نفت خام رسیده است. به عبارت دیگر، طی دوره مزبور مصرف فرآورده‌های نفتی در این بخش بار شد سالیانه منفی معادل ۱/٤ درصد روبرو بوده و یک کاهش منظم و مستمر را تجربه کرده است. گزارش مزبور همچنین نشان داده است که مصرف نفت و گاز نیز در این بخش یک روند نزولی چشمگیر را شاهد بوده است به طوری که سهم بخش کشاورزی از کل مصرف نفت گاز از ۱۸/۲۳ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۱۳/۲۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. روندهای مزبور موجب شده است که بخش کشاورزی از نظر شدت انرژی هم به طور نسبی کارنامه‌ای کارآمدتر از همه بخش‌ها را رقم زده باشد.

همانطور که می‌دانیم شدت انرژی نشان‌دهنده انرژی مورد نیاز برای تولید مقدار معینی از کالاها و خدمات است این شاخص برحسب عرضه انرژی اولیه یا مصرف نهایی انرژی محاسبه می‌شود. گزارش ترازنامه انرژی کشور در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که شاخص مزبور در بخش کشاورزی از ٦۹ درصد در سال ۱۳۷٦ به ۵۹ درصد (بشکه معادل نفت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

خام به میلیون ریال) در سال ۱۳۸۵ رسیده است. محاسبات آماری ترازنامه آماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که طی سال‌های مورد بررسی همواره شدت انرژی مصرفی بخش کشاورزی به طور متوسط حدود ۳۲ درصد کمتر از شدت انرژی مصرفی کل کشور بوده است (سلیمانی، ۱۳۸۷)

به این ترتیب، باید این سؤال را مطرح کرده و برای آن پاسخی یافت که تنبیه کارآمدترین بخش اقتصادی کشور از نظر شدت انرژی و در عین حال تحمیل بیشترین ضربه‌ها به بخشی که هیچ نقشی در رشد مصرف انرژی کشور ندارد منعکس‌کننده چه درکی از عدالت می‌تواند در نظر گرفته شود؟

همچنین ترازنامه انرژی ک شور در سال ۱۳۸۵، نشان می‌دهد که یارانه حامل‌های انرژی در بخش کشاورزی معادل ۷/۳ درصد کل یارانه حامل‌های انرژی کشور بوده است ضمن آنکه محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ هزینه‌های انرژی حدود ۲/۷ درصد از کل هزینه‌های خانوارهای شهری را شامل می‌شده است در حالی که در همین سال سهم هزینه‌های انرژی از کل هزینه‌های خانوارهای روستایی معادل ٤/۳ درصد بوده است.

بنابراین، به روشنی ملاحظه می‌گردد که برخلاف آنچه که به غلط ادعا شده و مرتباً هم تکرار می‌شود هرچه فقر درآمدی بیشتر باشد سهم هزینه‌های انرژی در کل هزینه‌های خانوار بیشتر خواهد شد. نکته بسیار مهمتری در این زمینه براساس محاسبات ترازنامه انرژی کشور آشکار می‌شود این است که در سال ۱۳۸۵ یک خانواده فقیر روستایی (دهک اول) ۸/۲ درصد از کل هزینه‌های مصرفی خود را به تأمین انرژی اختصاص داده است در حالی که نسبت مشابه برای یک خانواده ثروتمند روستایی معادل ۲/۸ درصد است با توجه به این واقعیت که در همان سال سهم هزینه‌های انرژی از کل هزینه‌های مصرفی یک خانواده فقیر شهری معادل ۵/۱ درصد و نسبت مشابه برای یک خانواده ثروتمند شهری ۱/۹ درصد است. فهم میزان اعتبار علمی و تطابق با واقعیت ادعای حذف یارانه‌ها با هدف برقراری عدالت بهتر درک خواهد شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

آخرین نکته‌ای که از این زاویه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که براساس مندرجات ترازنامه انرژی کشور در سال ۱۳۸۵، مجموع سهم خانوارهای روستایی از مصرف نفت سفید، گاز مایع و نفت گاز خانگی در کل به ترتیب حدود ۹۰، ۸٤ و ۸۳ درصد است و افزایش قیمت فرآورده‌های مذکور طبیعی است که تأثیر بسیار قابل توجهی در هزینه انرژی خانوارهای روستایی بگذارد. در حال حاضر، قیمت یک لیتر نفت سفید ١٦٥ ریال، گاز مایع ۵۷/۲ ریال (و براساس برخی اظهارات ۲۵۰ ریال) و نفت گاز ١٦٥ ریال است که براساس نفت خام ۳۵ دلاری برای هر بشکه به ترتیب قیمت آنها قرار است ١٦/٦ برابر، حدود ۳/٦ برابر و ١٦/٣٦ برابر افزایش می‌یابند.

از آنجا که برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس به ازاء هر یک دلار افزایش قیمت پایه نفت خام صادراتی افزایش‌های متناسبی در قیمت حامل‌های انرژی اتفاق خواهد افتاد به روشنی می‌توان دریافت که ابعاد فشارهایی که از این ناحیه بر خانوارهای روستایی افزوده خواهد شد به چه سمتی میل خواهد کرد و بنابراین باید پرسید که تحمیل چنین فشارهای غیرمتعارفی به فقیرترین گروه‌های درآمدی و بی‌دفاع‌ترین تولیدکنندگان کشور چه رابطه و تناسبی با فهم متعارف از عدالت اجتماعی دارد و منعکس‌کننده چه دیدگاهی درباره عدالت اجتماعی است.

آثار شوک درمانی بر عدالت اجتماعی از منظر بخش کشاورزی و جامعه روستایی هنگامی بهتر درک می‌شود که نظری نیز بر پیامدهای حاصل از این اقدام بیندازیم. براساس برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی در بستر فعلی بخش کشاورزی و تحت شرایط کنونی منافع ملی را از نظر مهاجرت روستائیان، کاهش تولید محصولات کشاورزی و انتقال سرمایه به بخش‌های دیگر تهدید خواهد نمود و این احساس را در کشاورزان به وجود می‌آورد که برای تولید و تأمین معاش هیچ امنیتی نخواهند داشت. حذف یارانه حامل‌های انرژی و محاسبه آن تبعات دیگری چون افزایش هزینه حمل و نقل، افزایش هزینه زندگی کشاورزان، افزایش هزینه خدمات ارائه شده به روستائیان و افزایش هزینه‌های تولید، تعمیر و نگهداری تجهیزات آنها را در بر خواهد داشت. (سلیمانی، ۱۳۸۷)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

گزارش مزبور با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی وزارت نفت ادامه می‌دهد که تنها در دوره بعد از انقلاب اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۲ قیمت گازوئیل ۷۱ برابر شده است و می‌افزاید روند مزبور به معنی آن است که در هر زمانی که لازم بوده بخشی از کمبود درآمد دولت از طریق افزایش قیمت سوخت تأمین شده و چون هدف اصلی تأمین کمبودهای بودجه‌ای دولت بوده توجهی به وضعیت دهک‌های درآمدی و وضعیت تولید بخش کشاورزی نشده به عبارت دیگر، از دیدگاه پژوهشگران مرکز پژوهش‌های مجلس در رویکردی که تاکنون مبنای عمل بوده در دستکاری‌های قیمتی تفاوتی بین نوع استفاده از گازوئیل (مصرفی و تولیدی) و نوع طبقات درآمدی (شهری و روستایی) وجود نداشته است سپس ادامه می‌دهد آنچه مجدداً باید تأکید نمود این است که در فرایند هدفمند کردن یارانه‌ها عدم توجه به دهک‌های درآمدی و سهم و نقش بخش مورد نظر در امنیت قضایی و توسعه ملی آثار زیانباری برای اقتصاد کشور در پی خواهند داشت. در این میان آثار مستقیم و غیرمستقیم افزایش قیمت حامل‌های انرژی به خصوص نفت گاز تبعات ناگواری برای بخش کشاورزی خواهد داشت. برخی از آثار اولیه حذف یارانه حامل‌های انرژی را بر بخش کشاورزی می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱) افزایش هزینه نهاده حامل‌های انرژی در تولید محصولات کشاورزی
۲) فقدان نقدینگی محصولات کشاورزی به نحوی که ممکن است قابلیت رقابت آنها در برابر محصولات خارجی از شرایط فعلی هم کمتر شود.
۳) افزایش قیمت محصولات کشاورزی به نحوی که ممکن است قابلیت رقابت آنها در برابر محصولات خارجی از شرایط فعلی هم کمتر شود.
٤) افزایش هزینه سایر نهاده‌های تولیدی کشاورزی از قبیل کودهای شیمیایی، سموم شیمیایی، بذر و نهال و....
۵) افزایش هزینه‌های پس از تولید محصولات کشاورزی از قبیل؛ هزینه‌های برداشت، حمل و نقل، سردخانه، انبار، بازاررسانی و....
٦) افزایش هزینه تمام شده و کاهش سودآوری صنایع روستایی و تبدیل کشور و افزایش بیکاری یا کاهش اشتغال این واحدهای تولیدی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

۷) تشدید بحران زیست محیطی به واسطه قطع درختان و جایگزین کردن چوب، بوته و فضولات دامی به جای نفت سفید در مناطق جنگلی و روستایی (همان)

آنچه که مطرح شد، تنها ناظر بر تأثیرپذیری مستقیم بخش کشاورزی و جامعه روستایی از لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها را منعکس می‌سازد اما واقعیت این است که آسیب‌پذیری بخش کشاورزی و جامعه روستایی به اعتبار آثار کلان این سیاست نیز قابلیت ردگیری جدی دارد. مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس حکایت از آن دارد که در صورت اجرای کامل آنچه که دولت در این زمینه مطالبه می‌کرد و مطلوب می‌انگاشت شاخص قیمت مصرف‌کننده علاوه بر سطح تورم پایه به میزان ٤٨/٦ درصد افزایش می‌یافت رقم مشابه برای شاخص هزینه تولیدکننده علاوه بر سطح تورم پایه چیزی حدود ٣٦/٦ درصد برآورد شده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷)

واقعیت این است که چنین سطحی از تغییرات تورمی نمایانگر رکوردی است که از جنگ جهانی دوم تا امروز در اقتصاد ایران سابقه نداشته است و از آنجا که تورم در ادبیات علم اقتصاد بیشترین نقش را در بروز بیشترین ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی و امنیت ملی برعهده دارد، می‌توان دریافت که در چنین بستری از شرایط کلان اقتصادی بخش کشاورزی و جامعه روستایی ایران که از کمترین قدرت انعطاف در برابر چنین تغییراتی برخوردار است و در زمره آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شود، می‌بایست منتظر چه سرنوشتی باشد مرکز پژوهش‌های مجلس برآوردی از چشم‌انداز تورمی آنچه که کمیسیون تخصصی مجلس تصویب کرده نیز ارائه داده است. قبلاً اشاره شد که هدف مجلس از ایجاد تغییرات مورد نظر خود به تعبیری که رئیس کمیسیون تخصصی آن مطرح کرده بود کاستن از شیب تغییرات جهش قیمت‌ها بوده است. برآورد مرکز نشان می‌دهد که در صورت تنظیم سیاست‌ها به گونه‌ای که دولت از محل شوک د رمانی تنها سالانه ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند در دو سناریو و با فروض متفاوت حداقل ۲۰/۵ درصد و حداکثر ۳۹/۸ درصد بر سطح تورم موجود اضافه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

خواهد شد حتی اگر این برآورد نیز مبنا قرار گیرد از آنجا که تورم به صورت سلسله مراتبی هرچه گروه‌های درآمدی فقیرتر باشند فشارهای بیشتری به آنها تحمیل می‌کند و هرچه غنی‌تر باشند ثروت‌های بادآورده بیشتری نصیب آنها می‌کند چشم‌اندازهای نابرابری و فقر را در سایه سیاست‌های تورم‌زا بهتر می‌توان درک کرد.

طنز تلخی که در اینجا وجود دارد این است که برای نخستین بار ما با این ادعا از سوی سیاست‌گذاران کشور روبرو هستیم که می‌خواهند از طریق سیاست‌های تورم‌زا به جستجوی برقراری عدالت بپردازد. درباره مضمون ضدعادلانه و نابرابرساز تورم در میان اقتصاددانان از هر نحله فکری که باشند اتفاق نظر وجود دارد ضمن آنکه طی دو دهه گذشته میان تورم و رکود در اقتصاد ایران نوعی بده بستان تکاثری برقرار شده است به گونه‌ای که هر موج تورمی به سهم خود منشأ تشدید رکود شده و رکود ایجاد شده نیز متقابلاً روندهای تورمی را تشدید خواهد کرد.

از آنجا که امروز در میان نظریه‌پردازان نوعی اتفاق‌نظر درباره جایگاه انسان به مثابه عنصر محوری توسعه وجود دارد کافی است فقط به این جنبه اشاره شود که گزارش‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حکایت از آن دارد که در میان اجزاء شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی گروه پیشتاز که بالاترین رشد قیمت‌ها را همواره نشان داده است، هزینه‌های بهداشت و درمان است. گزارش‌های رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد که در دوره ده ساله ۱۳۷٦ تا ۱۳۸۵ در حالی که نرخ رشد متوسط تورم ۱۳/۵ درصد بوده میانگین افزایش بهای هزینه‌های بهداشتی و درمانی ۱۸/۵ درصد بوده است به طوری که به قیمت‌های سال پایه ۱۳۷٦ هزینه‌های بهداشت و درمان در این دوره نزدیک به پنج برابر شده است.

این در حالی است که برای مثال تغییرات قیمت پوشاک و حمل و نقل به ترتیب کمتر از دو برابر و کمتر از سه برابر را نشان می‌دهد. آثار انسانی این پدیده به خصوص در مورد فقیرترین و محروم‌ترین گروه‌های اجتماعی که هم در برابر انواع بیماری‌ها آسیب‌پذیرترند و هم از توانایی بسیار کمتری در زمینه تأمین مالی هزینه‌های بهداشت و درمان در رنج هستند، نشان می‌دهد که اراده برقراری عدالت از طریق شوک‌درمانی تا چه میزان مبنا و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منطق دارد. جدول زیر جزئیات تغییرات زیرگروه‌های اصلی شاخص بهای کالاهای مصرفی را طی دوره ده ساله پیش‌گفته نشان می‌دهد.

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

	شاخص کل	مسکن	برق، آب و سوخت	پوشاک	اثاث و کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه	حمل و نقل و ارتباطات	درمان و بهداشت
۱۳۷٦	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۱۳۷۷	۱۱۸/۱	۱۱۹/٦	۱۳۹/۸	۱۰۵/۳	۱۰٦/۸	۱۱٤/۷	۱۲۲/۲
۱۳۷۸	۱٤۱/۸	۱۳۹/۲	۲۰۹/۲	۱۱۲/۱	۱۲۲/۸	۱٤٦/۰	۱۵۲/۰
۱۳۷۹	۱۵۹/۷	۱٦٤/٦	۲۵۲/۱	۱۲۱/۵	۱۳۷/٦	۱۵۸/٤	۱۸۳/۵
۱۳۸۰	۱۷۷/۹	۱۹٦/۵	۲۸۳/۳	۱۲۷/٤	۱٤۲/۰	۱۷۰/۵	۲۱۱/٦
۱۳۸۱	۲۰٦/۰	۲۳۵/٦	۳۲۹/۵	۱۳۲/٦	۱۵۰/۰	۱۸۷/٦	۲٤٦/٦
۱۳۸۲	۲۳۸/۲	۲۸۰/۱	۳۷٦/۹	۱٤۲/۸	۱٦٤/۷	۲۱۳/۱	۲۸۷/٦
۱۳۸۳	۲۷٤/۵	۳۳۲/۸	٤۱۹/۲	۱۵٦/۳	۱۹۱/۲	۲۳٦/٦	۳۳۷/۵
۱۳۸٤	۳۰۷/٦	۳۸۱/۷	٤۳۲/۷	۱۷۱/۰	۲۱٤/۰	۲۵٤/۷	٤۰۲/۸
۱۳۸۵	۳٤۹/۵	٤٤۲/۷	٤٤٤/۰	۱۸٦/٦	۲۳۷/۷	۲۷۵/۱	۲۷۵/۵
متوسط نرخ رشد دوره	٪۱٤/۵	٪۱۷/۸	٪۱۵/۵	٪۷/٤	٪۱۰/۵	٪۱۱/٦	٪۱۸/۵

مأخذ: بانک مرکزی

در سال ۲۰۰۳، بانک جهانی گزارشی انتشار داد که در سال ۱۳۸۳ با عنوان گذار ایران در تبدیل ثروت نفت به توسعه از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران انتشار یافت این مطالعه در شرایط آن روز اقتصاد ایران و با فرض وارد کردن یک شوک محدودتر از آنچه که در لایحه دولت پیش‌بینی شده آن هم فقط به قیمت بنزین برآورد کرده است که چیزی حدود ۳۰/۵ درصد فقط از این ناحیه بر میزان تورم پایه موجود کشور افزوده خواهد شد.

حتی در آن مطالعه نیز نشان داده شده است که هزینه زندگی روستائیان با وجود آنکه میزان تأثیرپذیری آنها از تغییرات قیمت بنزین علی‌الظاهر بسیار کمتر از جامعه شهری است

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

شاخص هزینه زندگی روستائیان به طور متوسط ۳۶ درصد اضافه خواهد شد در حالی که رقم مشابه برای شهرنشینان حدود ۲۰ درصد برآورد شده است. نکته جالب توجه دیگر در این مطالعه که به گونه‌ای بحث‌های این مقاله را نیز به روشنی تأیید می‌کند آن است که تأثیر وارد کردن شوک به قیمت بنزین در چارچوب سناریوی بانک جهانی بر تهیدست‌ترین گروه جامعه روستایی در زمینه از دست دادن رفاه دو برابر بیشتر از بهترین پنج گروه درآمد شهری است. (بانک جهانی، ۱۳۸۳)

یافته‌ها، نتایج و پیشنهادات

از مجموعه آنچه که مطرح شد به روشنی نتیجه می‌شود که در جریان شوک درمانی آسیب‌پذیری نسبی فقرا بسیار بیشتر از اغنیا است. تولیدکننده‌ها بیشتر از مصرف‌کننده‌ها آسیب می‌بینند و فشارهای وارده به روستائیان بیشتر از شهری‌ها و به کشاورزان به مراتب بیشتر از صنعت‌کاران خواهد بود. ضمن آنکه به گواه تجربه‌های مشاهده شده در مقیاس کشورهای در حال توسعه و به ویژه در کادر برنامه شکست خورده تعدیل ساختاری وضعیت بهداشت، آموزش و نظام تأمین اجتماعی بحرانی‌تر شده، کسری بودجه دولت، فساد مالی و فضای رانت‌جویی نیز تشدید خواهد شد.

مهم‌ترین پیشنهاد قابل طرح در اینجا نیز عبارت از اولویت دادن به ارتقاء کارائی بنگاه‌های انحصاری عرضه‌کنندگان حامل‌های انرژی، ملزم ساختن خودروسازان به بهبود کیفیت خودروها از نظر کارائی مصرف انرژی، توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی، حمل و نقل ریلی، خارج ساختن اتومبیل‌ها، کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های فرسوده از سیستم حمل و نقل عمومی کشور و توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی در داخل شهرها و بالاخره اتخاذ تدابیر و تمهیدات نهادی ویژه برای حداقل‌سازی آسیب‌پذیری جامعه روستایی و بخش کشاورزی و توانمندسازی آنها در زمینه قدرت انعطاف بیشتر برای مواجه ثمربخشی با هر نوع تغییر است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع و مآخذ References

- استیگلیتز، ژوزف، «**نگاهی نو به جهانی شدن**»، چاپ اول، تهران، ۱۳۸٦.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی، «**طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**»، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- اصغری، هاجر، «**اقتصاد سیاسی اصلاحات ارضی: مقایسه تطبیقی تجربه‌های اصلاحات ارضی ایران در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی**»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
- تصدیقی، بهروز، «برآورد آثار تورمی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در دو حالت فشار هزینه و فشار تقاضا در دو گزینه یکباره و پلکانی»، **دفتر مطالعات اقتصادی**، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷.
- جیروند، عبدالله، «**توسعه اقتصادی**»، چاپ اول، تهران، ۱۳٦۵.
- سلیمانی، الهه، «بررسی آثار هدفمندسازی یارانه‌های انرژی در بخش کشاورزی»، **دفتر مطالعات زیربنایی**، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷.
- عطایی، امید، «بررسی مبانی، ملاحظات و محورهای لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها»، **دفتر مطالعات اقتصادی**، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷.
- لیست، فردریک، «**اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی**»، ترجمه ناصر معتمدی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- مؤمنی، فرشاد، «**اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری**»، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸٦.
- محمد خانی، محمدرضا، ایرج مهرآزما و...، «بررسی آثار قیمتی لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها بر هزینه بخش‌های کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و خانگی، » دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، **مرکز پژوهش‌های مجلس**، ۱۳۸۷.
- **مرکز پژوهش‌های مجلس**، «گزارش آثار اقتصادی لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ بر برخی متغیرهای کلان»، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۷.
- **مرکز پژوهش‌های مجلس**، «گزارش برآورد آثار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی»، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۷.
- **مرکز پژوهش‌های مجلس**، «گزارش بررسی اثربخشی سیاست‌های مربوط به تعدیل نرخ سود بانکی»، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۸.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع و مآخذ

References

- موسوی نیک، سید هادی، «الزامات و پیش‌نیازهای اجرای لایحه هدفمند کرد یارانه‌ها»، دفتر مطالعات اقتصادی، **مرکز پژوهش‌های مجلس**، ۱۳۸۸.
- مهربانیان، الهله و سعیده مؤذنی، «بررسی یارانه‌های پرداختی و اعتبارات دولت در بخش کشاورزی»، **مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی**، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۷.
- Rasinski, K.A. (1987), "What is Fair?", **Journal of Personality and Social Psychology**, No: 53.
- Barry, Baroam (1989), "**Theories of Justice**", London, MacMillan.
- Sampson, E.E. (1975), "On justice as equality", **Journal of social** ISSUES, No: 31.
- Cornia, G.A. (1999), "**Globalization, Liberalization and Income distribution**", WIDER, Helsinki.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]